

کودکان و جوانان رنج و کار!

(به یاد اقبال مسیح)

بهرام رحمانی

اقبال مسیح، کودک کارگر ۱۲ سال پاکستانی، که از سن چهار سالگی برای کار بردگی به صاحب یک کارگاه فروخته شد، همانند میلیون‌ها کودک کار و درد و رنج در مزارع، کوره پزخانه‌ها و کارگاه‌های قالی بافی کار کرد. او بیش از ده سال نداشت که به همراه چند تن از کودکان کار، از کارگاه قالی بافی فرار کرد و به «جبهه رهایی بخش کودکان از بردگی» (BLLF) پیوست. اقبال، در ماه نوامبر ۱۹۹۴، در کشورهای سوئد و آمریکا، در کنفرانس‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی شرکت کرد و پرده از زندگی وحشتناک کودکان کار برداشت. او، وقتی که از این سفرها به پاکستان برگشت، با استقبال گرم و گسترده کودکان کار و والدین آن‌ها قرار گرفت. فعالیت‌های اقبال، در راستای لغو کار کودکان، خشم سرمایه‌داران و دولت پاکستان را برانگیخت تا این که او را هنگام دوچرخه سواری با دوستانش، در روستایی در اطراف لاهور، با شلیک گلوله به قتل رساندند. روز شانزدهم آوریل، دهمین سالگرد ترور اقبال مسیح است که با نوشتن این مطلب یاد او را گرامی می‌داریم.

در سال‌های آغازین هزاره سوم، در اثر رشد و گسترش علم و تکنیک، دستاوردهای زیادی نصیب بشر شده است. اکنون در جهان، آن قدر امکانات مادی و معنوی وجود دارد که نباید هیچ انسانی از بیماری، گرسنگی بمیرد و کودکان به جای رفتن به بازار کار، به طور رایگان راهی مدرسه شوند و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی خود را در آرامش، رفاه و شادی سپری کنند. اما صد افسوس که واقعیت‌ها غیر از این است و اخبار و گزارشات نه تنها حاکی از سقوط سطح دستمزدها، افزایش ساعات کار، بیکارسازی وسیع و تورم و گرانی فزاینده می‌دهند، بلکه رقم کار کودکان نیز روز بروز در حال افزایش است. متأسفانه صدای خرد شدن استخوان‌های ظریف میلیون‌ها کودک کار، از چهار گوشه جهان در زیر فشار کارهای سخت هولناک و ستم و استثمار وحشیانه سیستم سرمایه‌داری، به گوش می‌رسد.

سیستم سرمایه‌داری، برای کسب سود بیشتر حتی از بهره‌کشی کودکان کمترین شرم و حیایی به خود راه نمی‌دهد. کودکان نیروی کار بسیار ارزان‌تر هستند؛ آن‌ها را روانه جبهه‌های جنگ می‌کنند؛ جسم ظریف کودکان را در معرض فروش قرار می‌دهند و از آن‌ها، برای قاچاق مواد مخدر و دزدی و غیره سوء استفاده می‌کنند. بنابراین، مسئله کار کودکان در جهان، واقعیت

دردناکی است که ریشه آن را باید در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌های سرمایه‌داری جستجو کرد.

بنا به آمارهای ارائه‌شده، یک میلیارد دختر و پسر در جهان فقیرند و از هر دو کودک در جهان یک کودک بدون آب پاکیزه، غذای مناسب و مراقبت‌های پزشکی است. بیش از ۶۴۰ میلیون کودک در سراسر جهان، محل اسکان مناسبی ندارند، بیش از ۵۰۰ میلیون کودک حمام و دست‌شویی ندارند و ۴۰ میلیون کودک نیز از آب پاکیزه محرومند. بسیاری از کودکان در مناطق جنگی و بحران‌زده قربانیان عملیات تروریستی هستند. یکی از نمونه‌های آن سپتامبر سال ۲۰۰۴، گروگان‌گیری دانش‌آموزان در شهر «بسلان» در «اوستیای روسیه» است که در این درگیری، بیش از ۳۳۰ نفر در مدرسه کشته شدند. از دیگر نمونه‌ها درگیری‌های میان نظامیان دولتی و شورشیان در استان آچه سال ۲۰۰۳ بوده که در آن ۴۶۰ دانش‌آموز مدرسه در آتش سوختند. در سال پیش در مجموع حدود سه میلیون نفر بر اثر بیماری ایدز جان خود را از دست داده‌اند. نیم میلیون کودک قربانی این بیماری، زیر ۱۸ سال بودند. شمار کودکانی هم که پدر و یا مادرشان بر اثر ایدز در گذشته‌اند به ۱۵ میلیون می‌رسد. تفاوت رشد اجتماعی میان کشورهای شمال و جنوب در حال افزایش است، از جمله در جمهوری‌های سابق شوروی و اروپای شرقی از هر سه کودک یک نفر با فقر دست و پنجه نرم می‌کند. در سراسر دنیا، بیش از ۱۲۰ میلیون کودک در سنین دبستان هستند که توانایی رفتن به مدرسه را ندارند. براساس بررسی سازمان یونسف، تنها در آلمان در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، آمار کودکان فقیر از ۴ درصد به ۹ درصد افزایش یافته است. براساس بررسی کارشناسان به منظور بهبود بخشیدن به وضعیت کودکان جهان نیاز به ۴۰ تا ۷۰ میلیارد دلار در سال است. (۱)

بیش از ۲۰۰ میلیون کودک کار، در سراسر دنیا وجود دارد که بیش‌تر این جمعیت را دختران زیر ۱۶ سال تشکیل می‌دهند. در حدود ۸۸ کشور عضو برنامه کاهش کار کودکان (IPEC) هستند که از این تعداد، ۵۷ کشور به عضویت این سازمان درآمده‌اند، اما با توجه به بحران‌ها و درگیری‌های مختلف حداقل در ۱۰ کشور جهان وضعیت کودکان شاغل «کودکان کار»، به شدت بحرانی است... این کودکان مجبورند در مراکز و محل‌های نامناسب در ساعت‌های طولانی با حقوق ناچیز کار کنند. با این که آن‌ها روزانه حدود ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار می‌کنند اما حقوق‌شان یک سوم کارگر بالغ است. بسیاری از این کودکان از کشورهای فقیرتر به کشورهای در حال توسعه قاچاق می‌شوند تا در این کشورها فعالیت کنند. در همین راستا سازمان ملل نیز اعلام کرده است

در حدود یک میلیارد کودک در جهان دوران کودکی را احساس نمی‌کنند و در حدود ۶۴۰ میلیون از آن‌ها نیز بی‌خانمان و مجبور به کارند. (۲)

مسئولان پاکستانی پس از بررسی‌های مختلف بر وضعیت کودکان آسیای جنوبی اعلام کردند: حدود ۴۰ هزار نفر کودک از کشورهای پاکستان، هند، بنگلادش و کامبوج به کشورهای عربی برای کار قاچاق می‌شوند.

در استان آندرا پرادش هند، در حدود ۱۱۷ هزار و ۸۰۰ کودک زیر ۱۵ سال کار می‌کنند. این کودکان مجبورند روزانه بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار کنند و درآمد آن‌ها بین ۱۵ تا ۳۵ روپیه است.

در حاکمیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، با وجود ثروت و منابع طبیعی فراوان، صدها هزار کودک به کارهای سخت وادار شده‌اند. ۵۰۰ هزار و بیش از یک میلیون کودک ایرانی به ترتیب زیر خط فقر یک و دو دلار در روز زندگی می‌کنند. به علاوه حدود ۷/۳۵ درصد کل جامعه نیز زیر خط فقر دو دلار در روز قرار دارند. سوء تغذیه و عدم برخورداری کودکان از مراقبت‌های کیفی در استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و هرمزگان، عدم برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی دختران و پسران، میزان بالای ترک تحصیل دختران در مقطع ابتدایی ایران و نیز وجود کودک آزاری و استثمار از مسایل عمده مورد توجه سازمان ملل است. شماری از کودکان به خصوص دختران ۱۴ تا ۱۵ ساله ایران به علت مشکلات و مسایل اجتماعی و فرهنگی و کمبود معلم زن مجبور به ترک تحصیل شده و به علاوه تنبیه نیز هم‌چنان در مدارس ایران جاری است. بنا به تحقیقات سازمان بین‌المللی کار ۱۴ درصد کودکان ایران هنوز کار می‌کنند. بیش از یک میلیون نفر در ایران با درآمد کم‌تر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. هنوز حدود ۴۰۰ هزار کودک افغانی در ایران زندگی می‌کنند. در ایران، تنها کودکان افغانی که خانواده‌های آن‌ها مجوز دارند حق رفتن به مدرسه را داشته و برای هر ترم ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار پرداخت می‌کنند. (۳)

براساس آمارها، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ ساله تا ۱۴ ساله در سراسر ایران کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی بیش از ۷۰۰ هزار کودک رسماً کار می‌کند و با احتساب این که طبق روال مرسوم کشورمان در چنین عرصه‌هایی، آمار رسمی معمولاً طوری محاسبه می‌شوند که ضریب خطایی بالایی از واقعیت دارند؛ می‌توان دریافت که بخش قابل توجهی از کودکان زیر ۱۵ سال در ایران مشغول به کار

هستند. هر ساله درصدی از کودکان ترک تحصیل می‌کنند و به کارهایی مانند واکس زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، پلاستیک فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی، روزنامه فروشی، جمع‌آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله و دعا فروشی در سر چهارراه‌ها، بازارها و یا مکان‌های شلوغ و پرتراфик می‌پردازند و ساعت‌هایی طولانی در معرض آلودگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. گرایش به مصرف سیگار و مواد مخدر، بهره‌کشی از آنان به صورت فروش یا اجاره، مشارکت در ارتکاب جرایم از جمله قتل، سرقت و توزیع مواد مخدر، فروش اعضای بدن، قرار گرفتن در باندهای فساد و قاچاق به سایر کشورها از پیامدهای حضور در خیابان است... (۴)

براساس تحقیق، تحصیلات ۵۲ درصد دختران فراری در سطح دبیرستان، ۴۱ درصد راهنمایی و هفت درصد در مقطع ابتدایی بوده است. ۴۹ درصد از دختران براساس این تحقیق در «ولگردی»، ۲۷ درصد در اثر رابطه «نامشروع» و ۲۴ درصد به علت اعتیاد دستگیر شده‌اند. همچنین، ۴۸ درصد این دختران خشونت و نزاع بین والدین را زیاد، ۵۰ درصد کم و دو درصد در حد صفر اعلام کرده‌اند و از سوی دیگر ۲۹ درصد آنان دارای دوست اخراجی از مدرسه، ۴۳ درصد دوست خلافکار، هفت درصد دوست بازداشت‌شده از سوی پلیس و ۲۱ درصد دارای خانواده‌ای با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین بوده‌اند. (۵)

دکتر آرمان رضایی، آسیب‌شناس می‌گوید: «آمارهای غیررسمی نیز موکد آن است که هر ماه ۸۵ تا ۱۰۰ کودک و نوجوان از خانه‌های خود فرار می‌کنند و بیش از نیمی از آنان دختر هستند. همچنین پرونده‌های موجود در نیروی انتظامی نشان می‌دهد، در سال ۱۳۷۸، یک هزار و ۲۲۴ مورد از خروج بی‌بازگشت دختران از خانواده گزارش شده که ۱۴۵ مورد آن در شهریور ماه رخ داده است و از سوی دیگر، گزارش‌های آماری سه ماه اول ۱۳۸۰، نشانگر رشد فرار آنان بوده است. فرار دختران از خانه به گونه‌ای بوده است که در خرداد ماه سال ۱۳۸۰، ۲۰۳ مورد پرونده در خصوص دختران فراری تشکیل شده است و این میزان نسبت به سال ۷۹، ۸۸ مورد رشد نشان می‌دهد و این در حالی است که بسیاری از خانواده‌ها برای حفظ آبروی خود، فرار دختران را به مراکز قانونی و ذیصلاح گزارش نمی‌کنند. از میان جوانان فراری متواری در سطح شهر تهران، ۴۱ درصد مورد ضرب و شتم قرار گرفته، ۲۴ درصد سابقه ربوده شدن دارند، ۲۴ درصد تجربه تجاوز جنسی، چهار درصد تهدید با اسلحه و هفت درصد سابقه مورد حمله واقع شدن با اسلحه را داشته‌اند. این نوجوانان در مقایسه با سایرین بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی، سوء مصرف دارو

و سایر مسایل بهداشت روانی قرار خواهند گرفت، به طوری که خطر اقدام به خودکشی در آنان نسبت به سایرین بسیار بالا می‌رود. ۳۰ درصد نوجوانان فراری از منزل در یک منطقه حداقل یک بار خودکشی کرده‌اند. (۶)

هر شب چهار هزار دختر در خیابان‌های پایتخت شب را به صبح می‌رسانند که بسیاری از آنان مورد خشونت و آزار جنسی قرار می‌گیرند. این تعداد ارقامی است که از سوی مراجع رسمی اعلام شده است و رقم واقعی تعداد دختران خیابان‌خواب مشخص نیست. تمامی این دختران همانند سایر آسیب‌های اجتماعی زاییده پدیده فقر هستند. در ایران، آمار آزار جنسی دختران توسط پدر خود بالا است و زمانی نیز که از این پدران در مورد علت آزار رساندن به دخترشان سؤال می‌شود اغلب عنوان می‌کنند که چون دخترشان است و حق مالکیت بر آن‌ها را دارند. (۷)

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی اعلام کرد، بیش از ۲۸۰ دانش‌آموز تهرانی، سال گذشته خودکشی کرده‌اند. وی اقرار می‌کند: «قطعا آمار اعلام شده مبنی بر خودکشی بیش از ۲۸۰ دانش‌آموز تهرانی سال گذشته بیش از همه به مشکلات اجتماعی جامعه برمی‌گردد، متأسفانه این آمار در شهرستان‌هایی نظیر خرم‌آباد به مراتب شدیدتر است. البته با توجه به این که فرهنگ عمومی شهرهای بزرگ تغییر کرده است، متأسفانه شاهد اختلاف طبقاتی هستیم که این مساله به شدت بر روی قشر جوان و نوجوان موثر است.» (۸)

حیدر زندیه، معاون آموزش و پرورش شهر تهران، بیش‌ترین رقم خودکشی را که طی سال گذشته رخ داده است، مربوط به دانش‌آموزان دختر خواند و گفت: «این آماری است که آموزش و پرورش شهر تهران از آن مطلع است... "ترک تحصیل"، "فرار" و "جرائم مشمول اخراج از مدرسه" از جمله مهم‌ترین جرایم خاص مدرسه‌ای سال گذشته و "ارتباط با جنس مخالف" اعم از تلفن، نامه، صحبت در پارک،... و نیز بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی از جمله بیش‌ترین موارد درگیری دانش‌آموزان در سطح مدارس شهر تهران بوده است... از ۷ هزار و ۷۱۷ دانش‌آموز مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره نیز ۲ هزار و ۸۹۱ نفر دختر بودند. همچنین ۱۱ هزار و ۹۰۰ نفر به مشاوران مدارس مراجعه کرده‌اند که ۷ هزار و ۴۸۵ نفر آن‌ها دختر بوده‌اند...»

بنا به گزارش روزنامه‌های ایران، روزانه ۵۴ دختر سنین ۱۶ تا ۲۵ ساله، توسط باندهای مافیایی جمهوری اسلامی، برای فروش به پاکستان اعزام می‌گردند. قبل از این هم رسانه‌ها فاش کرده بودند که دختران فراری ایرانی، توسط باندهای جمهوری اسلامی، برای فروش به شیخ‌نشین‌های اطراف خلیج فارس اعزام می‌شوند. گفته می‌شود ۸ میلیون زن زیر خط فقر قرار دارند و ۴ هزار

و ۶۰۰ زن خیابان خواب و ۸۰۰۰ تن فروش در تهران، فقط گوشه‌هایی از وضعیت دردناک زنان فقیر و فراری در پایتخت است. بنا به آمارهای ارائه شده، فروش و فرار دختران در سال گذشته به ۳۰۰ هزار نفر بالغ گردیده است و ۸۶ درصد فراریان در روزهای اول فرار از خانه، مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. همچنین براساس آمارهای منتشرشده، ۷۵ درصد جوانان ایرانی، تمایل به خروج از کشور دارند.

مواد مخدر امروزه به عنوان اولین و مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی جهان است، به طوری که سالانه ۱۶۰۰ میلیارد دلار درآمد مالی از این بخش تامین می‌شود. بنا به اظهار قائم مقام سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی، روزانه ۴ تن مواد مخدر در ایران مصرف می‌شود.

یکی از مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «در ایران هر دقیقه یک معتاد می‌میرد و طی چند سال اخیر حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار معتاد دستگیر شده‌اند که سن آن‌ها بین ۱۰ تا ۱۰۰ سال بوده است». در حالی که این مسئول، از مصرف روزانه دو تن مواد مخدر به ارزش ۴۵ هزار میلیارد ریال در کشور خبر می‌دهد برخی کارشناسان و دستگاه‌های رژیم معتقدند که روزانه بین دو تا شش تن مواد مخدر توسط معتادان ایرانی مصرف می‌شود و ۱۲ میلیون نفر به نوعی درگیر با مشکل مواد مخدر هستند و به طور متوسط هر فرد معتاد در طول زندگی خود حدود ۱۰ نفر را به کام اعتیاد می‌کشاند که البته با توجه به ادامه روند رشد ۱۳/۲۰ درصدی بیکاری در سال می‌توان حدس زد که اغلب آن‌ها جوانان بیکار یا فاقد هرگونه مهارت اجتماعی هستند. بنا به آمار رسمی پزشکی قانونی در سال ۸۱، سه هزار و ۵۰ نفر و در سال گذشته نیز چهار هزار و ۵۰۰ معتاد جان خود را از دست داده‌اند که اغلب آن‌ها در تهران فوت کرده‌اند.

براساس آمار سازمان ملل، ۳۰ درصد از معتادان جهان را جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله تشکیل می‌دهند. در ایران نیز ۳۰ درصد از معتادان رسمی کشور، معادل ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جوانان زیر ۲۰ سال است.

از سوی دیگر بنا به آمارهای رسمی، بیش از ۹۰ درصد معتادان ایرانی متاهل هستند که این افراد می‌توانند به نوعی بر روی سایر اعضای خانواده و به ویژه کودکان و جوانان تاثیر منفی بگذارند.

از مجموع ۶۲۹ هزار نفر ورودی به زندان در سال ۱۳۸۰، حدود ۴۳ درصد آن افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله هستند. براساس گزارش سازمان ملی جوانان جمهوری اسلامی، میانگین نسبت افراد کم‌تر از

۱۷ سال که مفهوم بزهکاری بیش‌تر بر این گروه دلالت می‌کند ۵/۳ درصد کل زندانیان است و حدود ۳۳/۳ درصد زندانیان، افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله هستند. همچنین میانگین رشد سالیانه افراد وارد شده به زندان، معادل ۵/۵ درصد می‌باشد به طوری که تعداد افراد این گروه‌ها از ۲۱۹ هزار و ۱۷۵ نفر در سال ۱۳۷۵، به ۲۸۵ هزار و ۷۲۹ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده است. براساس این گزارش از مجموع حدود ۶۲۹ هزار نفر ورودی زندان در سال ۱۳۸۰ حدود ۹۶ درصد آن‌ها را مردان تشکیل می‌دهند که از این گروه نزدیک به ۴۳ درصد آن افراد بین ۱۵ تا ۲۹ سال هستند و حدود ۳۸ درصد زندانیان در ارتباط با مواد مخدر بوده‌اند. آمار ورودی زندانیان براساس سطح سواد نشان می‌دهد که حدود ۹۸ درصد از آن‌ها در سال ۱۳۸۰ دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم بوده‌اند که در این میان بیش‌تر زندانیان دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند.

آنچه که در بالا اشاره کردیم، فقط گوشه‌هایی از اوضاع نابسامان و تراژدی کودکان، نوجوانان و جوانان در جامعه ایران در حاکمیت رژیم ستمگر و استثمارگر جمهوری اسلامی است. جامعه جوانی است و حدود ۴۴ میلیون نفر از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند که بخش عظیمی از آن‌ها در معرض انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی و خطرات جدی قرار دارند. اگر تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عاجل و مناسب در جهت بهبود زیست و زندگی و تحصیل و بهداشت جوانان به وجود نیاید، آینده‌ای مبهم و نگران‌کننده‌ای در انتظار اکثریت جوانان ایران خواهد بود. مسلماً دلایل اصلی شیوع اعتیاد، خودکشی، تن‌فروشی و دیگر آسیب‌های اجتماعی در بین جوانان ایران، افزایش بیکاری، تورم و گرانی فزاینده، افزایش شکاف طبقاتی و فشارهای سیاسی و اجتماعی است که ریشه اصلی همه آن‌ها را باید در سیاست‌های غیرانسانی و ناعادلانه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی جستجو کرد. اساساً فقر و فلاکت و تورم و گرانی فزاینده و عدم وجود آزادی‌های فردی و اجتماعی هر چه بیش‌تر جوانان ایران را در معرض خطرات جدی و آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی قرار داده است. جوان ایرانی، در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، هیچ افق و چشم‌انداز روشنی برای آینده خود تصور نمی‌کند، فراتر از این، متاسفانه مشغله عمده جوان ایرانی را به یاس و ناامیدی و سرخوردگی و نگرانی فراگرفته است. بنابراین ادامه چنین روندی به حد غیرقابل‌تحملی رسیده است و معضلات و مشکلات فراوانی را نیز بر خانواده‌های مزدبگیر و محروم و فرزندان آن‌ها وارد می‌سازد.

در حالی که دولت‌های سرمایه‌داری مانند رژیم جمهوری اسلامی، ظاهراً کنوانسیون حقوق کودک را بر روی کاغذ پذیرفته‌اند، اما در عمل گام‌های موثری در جهت بهبود شرایط زندگی کودکان

برنمی‌دارند. در چنین موقعیتی لازم است که افکار عمومی جهان، توجه بیش‌تری نسبت به بهره‌کشی و آزار کودکان و نوجوانان و جوانان معطوف‌دارند و جوامع بین‌المللی و دولت‌ها را وادار سازد تا در حمایت از کودکان و لغو کار کودکان اقدامات جدی‌تر و موثرتری را به مرحله اجرا بگذارند.

اساساً کارشناسان مسایل اجتماعی و اقتصادی بر این عقیده هستند که کار کودکان در کشورهای در حال توسعه، رکود اقتصادی، بیکاری، مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها، فقر فزاینده و تورم و گرانی و افزایش هزینه‌های زندگی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوبگرانه و ناعادلانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت‌ها، نقش اصلی و موثری را در روانه کردن کودکان به بازار کار ایفا می‌کند. در کشورهای صنعتی نیز رکود اقتصادی و بیکاری رو به گسترش باعث پیدایش نوعی از کار کودکان شده است.

قطعاً در چنین شرایط ناگواری، هر انسان و به ویژه جریان کارگری کمونیستی مسئول در قبال جامعه و کودکان و جوانان، روزانه ده‌ها بار از خود سؤال می‌کند که چه باید کرد تا جهانی شایسته برای کودکان ساخت؟! برای جواب اساسی به این سؤال، اولاً باید برای تحمیل اقدامات فوری به دولت‌ها در جهت بهبود زندگی کودکان و به خصوص لغو کار آن‌ها، مبارزه همه‌جانبه‌ای را سازمان داد. ثانیاً، باید بدانیم تا روزی که سرمایه‌داری بر جهان حکمرانی می‌کند، کار کودکان به ویژه در کشورهای در حال سلطه و توسعه، گسترش یافته و قربانیان زیادی نیز از کودکان و جوانان خواهد گرفت. بنابراین مبارزه برای بهبود زندگی کودکان، بخشی از مبارزه دایمی طبقه کارگر بر علیه سیستم سرمایه‌داری و دولت حامی سرمایه و لغو کار مزدی است.

اکنون که در مقطع اول ماه مه، روز جهانی کارگر قرار داریم، بی‌شک مطالبه لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال، تحصیل و بهداشت رایگان برای همه کودکان و جوانان، به ویژه برای کودکان افغانی مقیم ایران یکی از شعارها و مطالبات تجمعات و تظاهرات کارگری و بندهایی از قطعنامه‌های اول ماه مه خواهد بود.

یاد اقبال مسیح، گرمی باد!

منابع:

- ۱ - گزارش یونیسف از سال ۲۰۰۴؛
- ۲ - گزارش سازمان جهان کار (ILO)؛
- ۳ - ایسنا، ۲۱ آذر ۸۳ - ۱۱ دسامبر ۲۰۰۴، بخشی از سخنان «کاری اگه»، نماینده صندوق

کودکان سازمان ملل متحد در ایران؛

۴ - روزنامه ایران؛

۵ - خبرگزاری سینا، ۱۸ فرودین ۱۳۸۴؛

۶ - همان منبع؛

۷ - خبرگزاری سینا، ۱۶ آذر ماه ۱۳۸۳؛

۸ - ایلنا، ۹ آذر ماه ۱۳۸۳؛

۱۷ آوریل ۲۰۰۵

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۷